

# پایداری صلح در تاجیکستان: الزامات گریز ناپذیر

نوشته دکتر هوشنگ طالع

سرانجام بدنبال درگیریهایی گسترده مسلحانه، تفاهم نامهی آشتی میان دو گروه متخاصم در تاجیکستان به امضاء رسید. امضای «آشتی نامه» در تاجیکستان یکی از خوش‌آیندترین رویدادهایی است که در این سالها در جهان فرهنگ ایرانی به وقوع پیوست و در نتیجه امید می‌رود که آرامش به این «خاک گرمی» برگردد. گفتیم «خاک گرمی»، زیرا منطقه‌ای که امروز از آن به عنوان تاجیکستان نام می‌برند، بخشی از «آریایویچ»، «ایران ویچ» و یا خاستگاه و بنگاه ایرانیان و دیگر اقوام هند و اروپایی است. اما با وجود خوشحالی بسیار، یک مسأله‌ی اساسی را نباید از نظر دور داشت. عدم توجه به این نکته می‌تواند به دور باطلی که در اثر سرنگونی حکومت وحدت ملی در تاجیکستان ایجاد شده بود، ادامه دهد.

هم دولت «امام علی رحمان اف» و هم اپوزیسیون «نوری-توره جان زاده»، هر دو تنها نماینده‌ی یک قشر از مردم تاجیکستانند و در نتیجه نمی‌توان دولت حاضر به اضافای اپوزیسیون را نماینده‌ی واقعی مردم دانست. اما در صورت پند گرفتن از گذشته و قبول این اصل ساده ریاضی که همه مردم کوچک و بازار هم با آن آشنا هستند، یعنی این که دو دوتا، چهارتاست، می‌تواند موجب یک نظام مردمی و مردم سالار شوند.

در گفتگوهای آشتی، از احزاب ملی‌گرا و مردم‌گرای تاجیکستان، مانند حزب دموکراتیک، سازمان مردمی رستخیز و سازمان ملی آریانای بزرگ و دیگر نهادها و سازمانهای سیاسی-مردمی، دعوت نشده بود. هم چنین از وجود شخصیت‌های علمی و فرهیختگان این کشور که نقش بسزایی در اعلام جدایی کشور مزبور از نظام شوروی سابق و ایجاد حکومت وحدت ملی داشتند، در این گفتگوها، نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد.

اما با این وجود، همگان «آشتی» را در

راستای مصالح و منافع تاجیکستان به فال نیک گرفته‌اند. سازمان مردمی رستخیز با انتشار اعلامیه‌ای از تفاهم‌نامه آشتی و بازگشت آرامش به تاجیکستان استقبال کرده است. سازمان ملی آریانای بزرگ نیز اعلامیه‌ای در همین راستا و با تأیید «آشتی» و بازگشت آرامش به تاجیکستان، صادر کرده و هم چنین حزب دموکراتیک نیز این حرکت را مورد استقبال قرار داده است. باید گفت که حزب کمونیست تاجیکستان نیز به شیوه معمول احزاب کمونیست، ضمن تأیید، با پاره‌ای از مواد اصلی توافقنامه یعنی بازبینی در قانون اساسی مخالفت کرده است، تا در صورت لازم بتواند، «آشتی» را منتفی سازد. البته باید توجه داشت که حزب کمونیست تاجیکستان دارای پایگاه مردمی نیست و تنها تا زمانی که نیروهای روسیه در آن سرزمین حضور دارند، می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

از سوی دیگر غالب فرهیختگان تاجیکستان، یعنی نویسندگان، ادیبان، شاعران، متفکران، اندامان فرهنگستان و نیز نهادهای فرهنگی تاجیکان در خارج از کشور، از آشتی و بازگشت آرامش به سرزمین مزبور ابراز خرسندی کرده‌اند.

## آفت انحصار طلبی و منطقه گرایی

اما، اگر قرار باشد این آشتی پایدار بماند و سرزمین تاجیکستان روبه پیشرفت و توسعه گذارد، می‌بایست همه نیروهای سیاسی و اجتماعی واقعی سرزمین مزبور در تعیین سرنوشت شریک باشند.

بدین سان، افزون بر مشارکت دادن سازمان ملی آریانای بزرگ، سازمان رستخیز و حزب دموکراتیک، می‌بایست دیگر سازمانها و گروههای سیاسی کوچکتر نیز در امر حکومت و تعیین سرنوشت کشور، مشارکت داده شوند. در کنار مشارکت سازمانها و احزاب سیاسی، نکته بسیار ظریف و حساس، حضور نمایندگان استانها و شهرستانهای گوناگون تاجیکستان در امر قانون‌گذاری و حکومت است. «منطقه‌گرایی»

یعنی بدست گرفتن همه اهرم‌های قدرت از سوی مردمان یک منطقه، باعث مشکلات فراوان با پی آمدهای ناخوش آیند برای حکومت آقای امام علی رحمان اف و در نتیجه کشور تاجیکستان شده است. این امر در کنار انحصار طلبی‌های دیگر، موجب همه خونریزیهای مصیبت‌هایی است که بر تاجیکستان گذشت و باعث شد که امروز سرزمین مزبور فقیرترین جمهوری در میان جمهوری‌های نواحی در خوارزم و فرارود به حساب آید. کوتاه سخن آنکه توافقنامه آشتی میان حکومت آقای امام علی رحمان اف و گروه اپوزیسیون یعنی آقایان «نوری-توره جان زاده»، هنگامی می‌تواند بدل به «وحدت ملی» در تاجیکستان شود که موارد زیر با دقت و حسن نیت مورد توجه قرار گیرند:

**الف: گروهها و احزاب سیاسی و به ویژه احزاب ملی کشور مزبور که دارای نفوذ قابل توجه میان توده‌های مردم تاجیکستان‌اند، در امر حکومت و تعیین سرنوشت سرزمین، مشارکت داده شوند.**

**ب: در ترکیب حکومت و ارگانهای تصمیم‌گیری عمده، نمایندگان همه استانها و شهرستانهای تاجیکستان، حضور داشته باشند.**

**پ: فرهیختگان کشور تاجیکستان که امروزه بیشترین تعداد آنان در خارج از تاجیکستان و یا در تبعید بسر می‌برند، برای مشارکت در امر حکومت و تصمیم‌گیری پیرامون سرنوشت کشور، فراخوانده شوند.**

تنها در این صورت می‌توان در تاجیکستان شاهد «آشتی ملی» و در نتیجه «وحدت ملی» پایدار بود. هرگونه «انحصارطلبی»، «منطقه‌گرایی» و «باورگرایی»، می‌تواند مسایلی گذشته را در آینده تکرار کند. تنها در پناه آشتی و وحدت ملی فراگیر است که تاجیکستان می‌تواند به حضور نیروهای بیگانه در خاک خود پایان دهد و با استقلال رأی کامل در راه پیشرفت، توسعه و شکوفایی اجتماعی و اقتصادی گام بردارد.